

فصل نهم

دار مسکونه و البسه مخصوصه متوفی مخصوص فرزند ارشد ذکور است.

قوله تعالی در کتاب مستطاب اقدس:

"و جعلنا الدار المسکونة و الألبسة المخصوصة للذرية من الذکران دون الأناث و الوراث انه لهو المعطى الفیاض." (بند ۲۵)

حضرت عبدالههء جلّ ثنائه در لوح بشیر الهی شیراز میفرماید قوله جلّ ثنائه:

"دار مسکونه و البسه مخصوصه تعلق بولد بکر دارد یعنی ارشد اولاد متوفی نه بعموم اولاد ذکور."

و در لوح دیگر نازل قوله جلّ ثنائه:

"و اما ما سئلت عن الدار المسکونة فهی للولد البکر خاصّة مع توابعها من اصطبیل او مضیف او خلوة و اما الدیار السائرة الغير المسکونة مقسومة بین رجال و نساء من الورثة."

و در لوح دیگر نیز که بعنوان بشیر الهی نازل میفرماید قوله جلّ ثنائه:

"و اما در آیه مبارکه از ذکر ذکور دون اناث مقصود ولد بکر است زیرا ولد بکر در جمیع شرایع الهیه اختصاص داشته. بکتب تورات و انجیل و همچنین احادیث مرویه سابقه مراجعت نماید"

"و مراد از ولد بکر بزرگترین اولاد ذکور موجود است. و مقصود از اختصاص دار مسکونه باو این است که اقلًا خانه متوفی باقی و بر قرار ماند تا عائله چون در آنخانه باشند و یا وارد گردند بیاد او افتند و طلب عفو و غفران نمایند این احکام در وقتی است که کسی وفات کند و وصیتی ننماید. پس متوفی مختار است دار مسکونه را بهر کس بخواهد می بخشد و همچنین مشترک بین ورثه نیز میتواند نمود"

و در لوح حاجی محمد اسمعیل بن حاجی محمد ابراهیم قزوینی ملقب بخلیل¹ از قلم مرکز میثاق جلّ ثنائه نازل قوله جلّ ثنائه:

"مقصود از ولد بکر ارشد اولاد ذکور باقی است شمول بارشد اناث ندارد ولو اکبر اولاد اناث باشد. و اینکه در اولاد ذکور دون اناث میفرماید مراد آنست که شاید شخصی ده اولاد ذکور دارد اگر اکبر فوت شود ثانی جای او قائم است. اگر ثانی فوت شود ثالث جای او قائم است و اگر ثالث فوت شود رابع جای او قائم است. لهذا در آیه مبارکه بلفظ جمع بیان شده."

و در لوح سروستان جناب حاجی محمد علی میفرمایند قوله جلّ ثنائه:

"بیت مسکون در هر صورت مال بکر است خواه از میت چیز دیگر باقی ماند یا نماند ولد بکر از سایر اموال نیز سهم خویش میبرد. هذا ما فرضه الله ولی خود مورث قبل از وفات مختار است در تصرف اموال که بهر قسم بخواهد مجری دارد. و همچنین ولد بکر باید خود ملاحظه وراثت دیگر را لله بنماید و انصاف دهد. و فی الحقیقه هر انسانی بنص قاطع الهی باید وصیت نامه بنگارد تا بموجب آن بعد از او مجری شود هذا هو الحقّ المبین. و اگر لا سمح الله اطاعت امر نکرد یعنی وصیت ننماید باید چنین مجری داشت. عع"

و در رساله سؤال و جواب نازل قوله تعالی:

"سؤال - از بیت مسکون که مخصوص اولاد ذکور است

جواب - اگر بیت مسکون متعدّد باشد اعلی و اشرف آن بیوت مقصود است و ما بقی مثل سایر اموالست که باید بین کلّ قسمت شود و هر یک از طبقات وراثت که خارج از دین الهی است حکمش حکم معدوم است و ارث نمیبرد.

¹ جناب حاجی محمد ابراهیم ملقب بخلیل از قدمای احبای قزوین و الواح بسیار از جمالقدم جلّ جلاله باعزاز او صادر شده. از جمله لوح مفصّلی است که در جواب مسائل مختلفه مهمّه از جمله در مسئله شرایط اغصان بیانات مفصّله از قلم مبارک نازل و حاجی در کتاب بهجة الصدور باین لوح اشاره فرموده است.

"سؤال - در احکام الهیّه در باب ارث دار مسکونه و البسه مخصوصه را از برای ذکران ذرّیه مقرر فرموده‌اند، بیان شود که این حکم در مال اب است و یا در مال امّ هم همین حکم جاریست؟
 جواب - البسه مستعمله امّ مابین بنات بالسّویه قسمت شود و سایر اشیاء از ملک و حلّی و البسه غیر مستعمله کلّ از آن قسمت میبرند بقسمیکه در کتاب اقدس نازل شده و در صورت عدم وجود بنت جمیع مال کما نزل فی الرّجال باید قسمت شود."

"سؤال - در باب البسه و حلّی که شخص از برای ضلع میگیرد هر گاه متوفّی شود مابین ورّاث قسمت میشود یا مخصوص است بضلع؟
 جواب - غیر از البسه مستعمله هر چه باشد از حلّی و غیره راجع بزوجهست مگر آنچه باثبات معلوم شود بزوجه بخشیده شده."

"سؤال - دار مسکونه و البسه مخصوص ذرّیه ذکور است دون الأناث و الورّاث، هر گاه ذرّیه ذکور نباشند تکلیف چیست؟
 جواب - قوله تعالی من مات و لم یکن له ذرّیه ترجع حقوقهم الی بیت العدل. نظر باین آیه مبارکه دار مسکونه و البسه مخصوصه به بیت العدل راجع است."

"سؤال - مجدّد سؤال شده دار مسکونه و البسه مخصوصه در صورت عدم وجود ذکران از ذرّیه راجع به بیت العدل است یا مثل سایر اموال تقسیم میشود؟
 جواب - دوثلث خانه و البسه مخصوصه باناث از ذرّیه راجع و ثلث الی بیت العدل الذی جعله الله مخزن الأّمّة."

حضرت ولیّ امرالله ارواحنا فداه در لوح مبارک مورّخ سوّم شهر المشیّة ۹۹ مطابق ۲۹ سنه ۱۹۴۲ که در جواب عرایض محفل مقدّس روحانی ملّی بهائیان ایران شید الله ارکانه نازل گردیده میفرماید قوله الاحلی:
 "۱ - خانه مسکونی و البسه مخصوصه و اثاث البیت که از طریق ارث بورثه انتقال پیدا میکند از تأدیه حقوق معافند.

۲ - در ارشدیت پسر میزان سنّ است لاغیر.

۳ - اگر پسر ارشد مؤمن نباشد پسر دوّم که مؤمن است ولد ارشد محسوب میشود."